

لفظ

مفرد

لفظی که جزء ندارد.

مانند «و» از حروف عطف

مرکب

لفظی که جزء دارد، ولی جزء لفظ بر جزء معنا دلالت نمی کند.

مانند «عبدالله» به عنوان اسم شخص

مفرد

لفظی که جزء دارد،

و جزء آن دارای معناست،

و معنای هر جزء آن قصد شده است.

مانند گل زیبا

مفرد

مرکبی که از واقعیت حکایت می کند.

مرکب تام

مثال: گل زیبا است.

مرکب ناقص

مرکبی که از واقعیتی گزارش نمی کند؛ بلکه خود پدیدآورنده ی معنایی است.

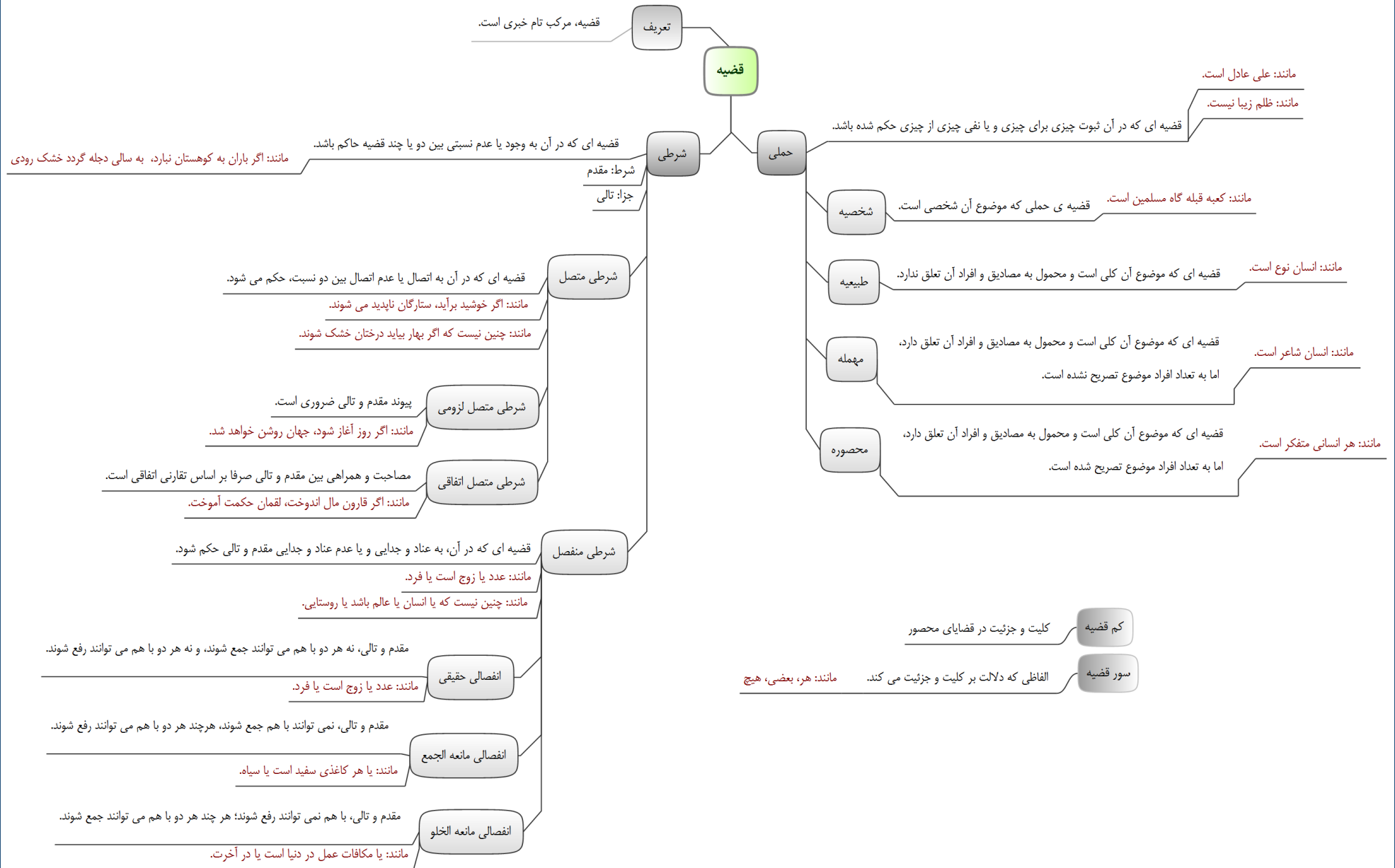
مرکب تام انشایی

مثال: آیا او خواهد آمد؟

مرکب ناقص

مرکبی که معنای آن ناقص است و متکلم نمی تواند به آن اکتفا کند و شنونده را در حالت انتظار رها سازد.

مثال: آسمان آبی



کیف قضیه

ایجاب

قضیه موجبه

مانند: عدالت زیباست.

مانند: انسان یا آزاد است یا بنده.

مانند: اگر خورشید مغرب طلوع کند، جهان از فروغ عدالت سرشار خواهد شد.

سلب

قضیه سالبه

مانند: ظلم پایدار نیست.

مانند: چنین نیست که دانش پژوه یا عالم باشد یا پرهیزگار.

مانند: چنین نیست که اگر انسان غنی باشد، حتما مناعت طبع داشته باشد.

اقسام قضیه  
حملی و شرطی

موجبه کلیه

مانند: همه انسان ها متفکرند.

سالبه جزئی

مانند: بعضی انسان ها فقیه نیستند.

موجبه جزئی

مانند: بعضی انسان ها شاعرند.

سالبه کلیه

مانند: هیچ انسانی سنگ نیست.